

معیارهای اخلاقی و حرفه‌ای فرایند نظارت پژوهشی در اجرای پایان‌نامه‌های دانشجویی

Towards an Ethical and Professional Framework for Research Supervision Process

دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۳/۲۹؛ دریافت نسخه نهایی: ۱۳۹۲/۵/۱؛ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۷/۸

A. Motallebifard., (Ph.D) B. Abdollahi,
(Ph.D), H. Mohebbat., (Ph.D Student)

Abstract: Background: Proposing an ethical framework for research supervision can reduce the existing ethical pathologies. This can contribute to the scientific development of students and academic departments in Iran. Methods: The study was conducted within the qualitative paradigm and the necessary data were collected through semi-structured interviews. Our research community includes supervisors and supervisees from Tehran state-run universities from them, informants were purposefully selected on the data saturation ground using snowball and key informant sampling. In order to analyze the narrative data, qualitative content analysis and coding process were applied. The credibility of the results was approved by peer audits and member checks. Results: The results indicate that ethical and professional criterion related to research supervision can be categorized into four main themes: issues related to students, issues related to teachers, issues related to academic departments, issues related to defense sessions. Conclusion: To reach the desired condition, we need to pave suitable legitimate grounds, help to meet teachers' and students' needs, and let people experience internal control by applying ethical frameworks.

Keywords: Ethical Framework, Dissertation and Thesis, Qualitative Study, Research Supervision

علیرضا مطلبی فرد^{۱*}، بیژن عبدالهی^۱ و هدیه محبت^۲

چکیده: تدوین چارچوب اخلاقی برای تدوین پایان‌نامه‌های دانشجویی به‌منظور کاستن از آسیب‌های اخلاقی موجود در این زمینه می‌تواند در رشد و توسعه علمی دانشجویان، گروه‌های آموزشی و کشور موثر باشد. روش کار پژوهش حاضر در چارچوب روش کیفی صورت گرفته است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته بوده است. جامعه پژوهشی عبارت است از استادان و دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران که از بین آن‌ها ۳۷ نفر براساس قاعده اشباع، به‌عنوان اطلاع‌رسان انتخاب گردیدند. برای انتخاب اطلاع‌رسان‌های پژوهش از نمونه‌گیری هدفمند و روش اطلاع‌رسان‌های کلیدی و گلوله برفی استفاده شده است. برای تحلیل داده‌ها از تحلیل محتوای مصاحبه‌ها و فرایند کدگذاری استفاده شده است و اعتبار نتایج از طریق بازبینی اعضا و ممیزی همکاران تایید شده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهند که براساس دیدگاه اطلاع‌رسان‌های پژوهش در فرایند نظارت پژوهشی بایستی به چهار دسته معیارهای اخلاقی و حرفه‌ای مربوط به استادان، معیارهای اخلاقی و حرفه‌ای مربوط به دانشجویان، معیارهای اخلاقی و حرفه‌ای مربوط به گروه‌های آموزشی و معیارهای اخلاقی و حرفه‌ای مربوط به جلسات دفاع توجه کرد. برای دست‌یابی به وضعیت مطلوب در این زمینه نیاز است که بسترهای قانونی لازم را فراهم نماییم، نیازهای دانشجویان و استادان را تامین کنیم و از طریق به‌کارگیری چارچوب‌های اخلاقی به کنترل درونی افراد در این حوزه کمک نماییم.

کلید واژه‌ها: چارچوب اخلاقی، پایان‌نامه‌ها، مطالعه کیفی، نظارت پژوهشی

۱. گروه آینده‌پژوهی، مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور
۲. عضو هیئت علمی، گروه مدیریت آموزشی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی
۳. دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات

مقدمه

تعاملات آموزشی بین استادان، دانشجویان و گروه‌های آموزشی در دانشگاه یکی از زمینه‌های است که بسیاری از یادگیری‌های دانشجویان در طی آن شکل می‌گیرد (شعبانی ورکی، حسین قلی‌زاده، ۱۳۸۵، آق بت سیاف^۱، ۲۰۱۰، الوشاهی و کوک^۲، ۲۰۰۹). در سطوح تحصیلات تکمیلی^۳، پژوهش یکی از زمینه‌های است که بستر این تعاملات را بین گروه‌های آموزشی، استادان و دانشجویان فراهم می‌کند، زیرا موجب درگیر شدن دانشجویان و اساتید در کار پژوهشی مشترک و به‌وجود آمدن فرایند نظارت پژوهشی^۴ می‌گردد که فرایندی تسهیل‌کننده و مستلزم انجام فعالیت‌های پژوهشی مقرر توسط دانشجو و هدایت وی توسط استاد راهنماست^۵. این فرایند در نهایت منجر به کسب یک مدرک رسمی دانشگاهی توسط دانشجو می‌شود (لی^۶، ۲۰۰۹) و همین امر می‌تواند موجبات بروز بسیاری از مسائل غیراخلاقی در دانشگاه را فراهم نماید در حالی که در اصل باید تعاملات استاد و دانشجو در جهت رشد اخلاقی دانشجویان و اجتناب از هرگونه رفتار غیرهنجاری باشد (ساکی، ۱۳۹۰).

گراهام و گرانت (۱۹۹۴؛ به‌نقل از آکر، ۲۰۰۱) روابط بین استاد راهنما و دانشجو را مبتنی بر "بنیان‌های نابرابر" می‌دانند، چرا که پروژه پایان‌نامه محور اصلی فعالیت یک دانشجو است در حالی که استاد راهنما کارهای متفاوتی دارد که هدایت پایان‌نامه تنها یکی از آن‌ها است. البته آکر^۷ (۲۰۰۱) معتقد است که این رابطه را می‌توان از زوایای دیگری نیز مشاهده کرد. هدایت پایان‌نامه برای استادان فعالیتی است که آن‌ها را شدیداً درگیر می‌سازد در حالی که ممکن است ضرورتاً نقشی در توانمندسازی آن‌ها نداشته باشد. این در حالی است که دانشجویان انتظار دارند با انجام پروژه پایان‌نامه، تجربه و مهارت بسیاری را کسب کنند. این عدم توازن انتظارات در بین استاد و دانشجویان تاثیر بسیار زیادی بر نوع و کیفیت رابطه آن‌ها می‌گذارد، چراکه منجر به قدرت پیدا کردن استادان در این فرایند، اعمال قدرت نابرابر و بروز برخی مسائل غیراخلاقی می‌گردد. این اعمال قدرت توسط اساتید می‌تواند بر میزان یادگیری، تجربیات تحصیلی، انگیزش،

-
1. Agbetaiafa
 2. Alweshahi and Cook
 3. Postgraduate Education
 4. Research Supervision
 5. Supervisor
 6. Lee Supervisor
 7. Acker

موفقیت، رضایت، انتظارات شغلی آینده، نوآوری و روش‌های حل تعارض دانشجویان تاثیر گذار (کانتک و گزر^۱، ۲۰۰۸).

در کنار نامتوازن بودن قدرت و موقعیت، دانشجو و استاد راهنما با توشه‌ای از انتظارات و تجربیات متفاوت و در یک فرایند تعاملی، پژوهش را آغاز می‌کنند. مهارت‌ها و توان یادگیری دانشجو از سویی و مهارت‌های علمی و رفتاری استاد راهنما از سوی دیگر و تحت تاثیر منابع مادی و معنوی متعدد، منجر به تولید محصولی به نام پایان‌نامه می‌گردد. در این فرایند اثرگذار اساتید راهنما نیازمند مهارت‌ها و دانش‌های مهمی هستند که از جمله آن می‌توان به دانش تخصصی در زمینه مربوطه و آشنایی با روش‌های پژوهش، مهارت‌های مدیریتی شامل مدیریت پایان‌نامه، مدیریت زمان، دانش مربوط به رویه‌های قانونی، مدیریت منابع و مهارت‌های بین فردی شامل توانایی ایجاد انگیزه و حمایت و پشتیبانی از دانشجو در عین رعایت استقلال عمل وی اشاره نمود (نیلی و همکاران، ۱۳۸۶). البته نباید فراموش نمود که رفتار و عملکرد دانشجو نیز نقشی اساسی در کیفیت نظارت پژوهشی دارد. رفتار مودبانه، جویای علم بودن، بی تفاوت نبودن، و فعال بودن دانشجو می‌تواند استاد را بر سر ذوق و شوق آورده او را به تعلیم و فعالیت بیشتر ترغیب کند. بنابراین، ایفای نقش موثر توسط دانشجویان مستلزم اجرای درست وظایف ذیل توسط آن‌ها است:

تعیین هدف و حرکت فعالانه در جهت آن: دانشجو باید مهارت‌ها و دانسته‌های خود را در نظر گیرد، هدف خود را در آینده مشخص نماید و در راستای آن از استاد خود علم‌آموزی کند. او همچنین می‌باید از فرصت‌های به دست آمده به خوبی بهره ببرد و در مقابل خود و جامعه خویش احساس مسئولیت کند.

تعیین انتظارات واقع‌گرایانه از استاد: دانشجو باید درک متقابلی از استاد و توانایی‌های او پیدا کرده و بفهمد که استاد او در چه زمینه‌هایی می‌تواند به وی کمک کند.

توسعه ارتباطات: توسعه ارتباطات از طریق فعال بودن، رفتار مودبانه، منظم بودن، فراگیری و ارائه بازخوردهای آن، مطالعه کردن و تلاش بیشتر تحقق می‌یابد. دانشجو می‌باید برای ایجاد و تداوم رابطه با استاد خویش علاقه داشته باشد و در عین حال بپذیرد که لازم نیست تمامی اهداف وی توسط استاد راهنما تامین شوند. لذا در شناسایی و ایجاد ارتباط با افراد دیگری که می‌توانند او را در رسیدن به اهدافش یاری نمایند بکوشد و درک کند که هدف، رسیدن او به سطحی از استقلال است که بتواند فعالیت‌هایش را بدون راهنمایی گرفتن از استاد خویش انجام دهد (احمدی‌زاده، ۱۳۸۷).

ترسیم ویژگی تعاملات استاد و دانشجو در فرایند نظارت پژوهشی موضوع پژوهش‌های بسیار زیادی بوده است. برخی به بررسی کیفیت تعامل استاد و دانشجو در فرایند نظارت پژوهشی پرداخته‌اند. توماس و همکاران^۱ (۲۰۰۵) روشن کردن انتظارات و توقعات استاد راهنما و دانشجو از یکدیگر، چگونگی تبدیل دانشجویان به پژوهشگرانی مستقل، ارائه بازخورد درست و اختصاص وقت مناسب برای دانشجویان را از ویژگی‌های نظارت پژوهشی موثر دانسته‌اند.

برخی از پژوهش‌ها با نگاهی کارکردگرایانه، صرفاً به بیان وظایف استاد راهنما در قبال دانشجو پرداخته و موارد مختلفی را برای آن ذکر کرده‌اند (گروهولم، پرسون و پیتز^۲، ۲۰۰۵)، و مواردی هم‌چون تشخیص سطح دشواری مناسب، درخور بودن مساله پژوهش، مسئولیت متمرکز کردن دانشجو در مساله پژوهش، داوری درباره نتایج اولیه پژوهش، شکل‌دهی شبکه ارتباطاتی دانشجو، ایفای نقش حمایتی، تشخیص قابل دفاع بودن رساله، معرفی کمیته داوری، پشتیبانی شخصی از دانشجو و تشویق دانشجو به هنگام نیاز را از وظایف استاد راهنما در قبال دانشجو می‌دانند. ویکسلر (۲۰۰۵)، نقل شده در عطاران و ملکی، (۱۳۸۸). در پژوهش خود وظایف استاد راهنما در قبال دانشجو را به سه دسته تقسیم نموده است که دسته اول شامل وظایف مربوط به آغاز فرایند راهنمایی از قبیل انتخاب موضوع و عنوان مناسب، طرح پرسش‌های مناسب برای دانشجو، مشخص کردن محدوده و ماهیت پژوهش، پیش‌بینی نتایج واقع‌گرایانه، طراحی چارچوب مفهومی مناسب پژوهش، تصمیم‌گیری در مورد روش‌شناسی پژوهش، کمک به یادگیری روش‌های پژوهش و روش‌های آماری، کمک به آماده کردن طرح اولیه پژوهش، تعریف طرح پژوهشی قابل اجرا، آشنا کردن دانشجو با فرا زبان پژوهش، تسهیل دسترسی به ادبیات پژوهش، توانمند کردن دانشجو در مدیریت زمان، توافق بر سر روش پژوهش، مرتبط کردن دانشجو با دیگر دانشجویان پژوهشگر و تشویق دانشجو به نوشتن مداوم، دسته سوم شامل وظایف مربوط به راهنمایی مستمر در جریان کار از قبیل تماس با دانشجو و مداخله در حد ضرورت، توجه به طراحی پژوهش توسط دانشجو، شرکت در جلسات آموزشی و گفت‌وگو با دانشجو، ارائه الگوهایی برای گونه‌های مختلف پژوهش، تصمیم‌گیری‌های اخلاقی، تعهد، پشتکار و واقع‌گرایی، آموزش روش‌های پژوهش، مطالعه گزارش‌های دانشجو در زمان مناسب، توجه به پرسش‌های دانشجو، کمک به حل مسائل علمی دانشجو، نقد سازنده کار دانشجو و ارائه بازخورد، کمک به استقلال دانشجو در حین پژوهش، تشویق دانشجو به حفظ سرعت کار و بازبینی پژوهش، تشویق دانشجو به افزایش حضور در مجامع علمی، تشویق به استفاده از شبکه آکادمیک محلی، ملی و بین‌المللی

1. Thompson

2. Grevholm and Person L and Peter

و بحث با دیگران، تشویق به یادداشت‌برداری و ثبت دقیق منابع و ماخذ، کمک به دانشجو در مواقع حاد و تشویق به نوشتن و ویرایش مکرر کار و دسته سوم شامل وظایف مربوط به مراحل پایانی پژوهش از قبیل تشویق دانشجو به تهیه پیش نویس اولیه کار، تشویق دانشجو به ویرایش مکرر کار نهایی، تشویق دانشجو به شرکت در کنفرانس‌ها و سمینارها، و نشر مقالات علمی، کمک به دانشجو برای آماده کردن رساله تشکیل و ارائه مناسب، ایجاد خودباوری و اعتماد به نفس در دانشجو و آمادگی برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های احتمالی و تشویق دانشجو برای پژوهش در سطوح عالی‌تر است. گروهی دیگر به آسیب‌شناسی این تعاملات پرداخته و بی‌نظمی دانشجویان، بی‌انگیزگی برای پژوهش، عدم آشنایی با پژوهش و تحقیق علمی را از جمله مشکلات موجود در این زمینه دانسته‌اند (گلرمو و اراندا منا، ۲۰۱۱). ادواردز^۲ (۲۰۰۲) چالش‌های عمده فرایند نظارت پژوهشی را شامل اهداف و انتظارات متفاوت و متباین استاد راهنما و دانشجو، عدم کفایت ساختارهای حمایتی در فرایند نظارت پژوهشی، ارتباط نامناسب بین استاد راهنما و دانشجو و عدم دسترسی دانشجویان به منابع می‌داند.

در پژوهش‌های داخلی نیز نتایج مشابهی وجود دارد. برای مثال، نداف‌زاده شیرازی (۱۳۷۳)؛ به‌نقل از نیلی و همکاران، ۱۳۸۶) در پژوهش خود دیدگاه دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه‌های دولتی و آزاد اسلامی شیراز را درباره مشکلات پژوهش و پایان‌نامه‌نویسی بررسی کرده است. نتایج پژوهش وی نشان داد استادان راهنما به دلیل داشتن مسئولیت‌های متعدد و برنامه سنگین تدریس به سختی قابل دسترسی هستند، به دلیل راهنمایی همزمان چندین پایان‌نامه، زمان کافی برای راهنمایی صرف نمی‌کنند، انتخاب استاد راهنمایی که با استاد یا استادان مشاور هماهنگ باشد، کاری دشوار است و برخی استادان راهنما بدون آن که احاطه لازم را بر موضوع پایان‌نامه دانشجو داشته باشند، مسئولیت راهنمایی دانشجو را می‌پذیرند. صادقی (۱۳۷۶)؛ به‌نقل از محبت، ۱۳۸۹) نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسیده است که از دیدگاه استادان و دانشجویان، اشتغالات فراوان و متعدد اعضای هیات علمی مهم‌ترین مشکل استادان در راهنمایی پایان‌نامه‌ها است. ملک (۱۳۷۹) نیز اشتغال استادان راهنما و توزیع نامناسب پایان‌نامه‌ها را از جمله مهم‌ترین عوامل کاهش مطلوبیت پایان‌نامه‌ها می‌داند و نیلی و همکاران (۱۳۸۶) عدم آشنایی استادان راهنما با فنون و روش‌های پژوهش و تحمیل استاد راهنما به دانشجو را از مهم‌ترین چالش‌های فرایند نظارت پژوهشی برمی‌شمارد.

آن‌چه مسلم است در عمل تعاملات استاد و دانشجو در روند پایان‌نامه‌نویسی به این راحتی

1. Guillermo, Aranda-Mena

2. Edwards

صورت نمی‌گیرد و مسائل مختلفی در این حوزه دخیل است که زمینه‌ساز بروز مسائل و چالش‌های اخلاقی در این فرایند می‌گردد. عوامل مختلفی چون میزان حضور استاد و دانشجو در دانشگاه، میزان حمایت مالی از پایان‌نامه‌ها، سن، جنس، مناسب بودن موضوع پایان‌نامه، محیط روانی گروه آموزشی و میزان دسترسی به تجهیزات، تخصص، فنون مدیریتی در هدایت پروژه‌ها، مهارت‌های ارتباطی، تعهد و علاقه مشترک با دانشجویان در این زمینه موثر است و در روند پایان‌نامه‌نویسی بر عملکرد استادان راهنما و رابطه آن‌ها با دانشجویان تاثیر می‌گذارد (ویلکیناس^۱، ۲۰۰۸). افزون بر این نظارت و راهنمایی موثر دانشجویان تحصیلات تکمیلی، یک فرایند پیچیده و چندعاملی است که مسائل مختلفی هم‌چون عوامل مربوط به استادان و دانشجویان، زیرساخت‌های حمایتی موجود، خط‌مشی‌های دولت یا دانشگاه، ساختارها و رویه‌های موجود را دربرمی‌گیرد (دلانی^۲، ۲۰۱۱).

براساس دیدگاه (بورنت^۳، ۱۹۹۹)، یک استاد راهنمای کارآمد، روابط خود با دانشجویان را به موازات پیشرفت کار پایان‌نامه به شیوه‌های مختلفی طراحی و تعدیل می‌کند. به عقیده وی، نظارت پژوهشی در سطح اول و در مراحل ابتدایی کار مستلزم تلاش و پیگیری مداوم کار توسط استاد راهنما است. در سطح دوم، استاد راهنما دانشجو را تحت نظارت قرار می‌دهد، اما او را آزاد می‌گذارد تا با استقلال بیشتری فعالیت کند و در سطح سوم که مرحله پایانی نگارش پایان‌نامه است، استاد راهنما همانند سطح نخست زمان و تلاش بسیاری را صرف می‌کند تا گزارش کار به درستی و مطابق معیارهای علمی تکمیل شود. لی (۲۰۰۷) نیز در مدل کارکردگرایانه خود سه کارکرد هنجاری- مدیریتی شامل انجام امور اداری مربوط به سازماندهی و برنامه‌ریزی نظیر ثبت- نام و تکمیل دوره‌های آموزشی، تکوینی- آموزشی شامل آموزش به اشتراک‌گذاری و ارزیابی دانش دانشجویان و حمایتی- احیاگر شامل تلاش برای افزایش انگیزه و علاقه در مواقع ضروری را به‌عنوان وظایف استاد راهنما بیان می‌کند.

با وجود آنچه گفته شد، به‌نظر می‌رسد در روند اجرا و نگارش پایان‌نامه‌های دانشجویی قواعد نانوشته زیادی وجود دارد و همین امر باعث بروز مسائل اخلاقی متعددی در ارتباط با پایان‌نامه‌های دانشجویی می‌گردد. پایان‌نامه‌های دانشجویی هم دارای اهمیت اقتصادی هستند و هم دایره نفوذ استادان را گسترش می‌دهند. این مزیت، رقابت برای بدست آوردن پایان‌نامه‌ها در بین استادان و گروه‌های آموزشی را افزایش می‌دهد و اتمام رساله را به امری فرسایشی مبدل می‌کند. از طرف دیگر تولید مقاله‌های متعدد که کمترین ارتباطی با مسائل جاری و مبتلا به

1. Valkanas
2. Delany
3. Burnett

جامعه ندارند نیز از دیگر مسائل اخلاقی است که در نتیجه این شرایط شکل می‌گیرد. برای برون رفت از این مشکلات می‌توان راهکارهای مختلفی را مورد توجه قرار داد که از آن جمله می‌توان به تدوین شاخص‌های اخلاقی مربوط به تعاملات پژوهشی و معیارهای اخلاقی که استادان، دانشجویان و گروه‌های آموزشی در فرایند پایان‌نامه‌نویسی می‌بایست رعایت کنند اشاره کرد. این راهکار می‌تواند باعث استقرار یک چارچوب اخلاقی در فرایند نظارت پژوهشی شود. بنابراین با استناد به وجود چالش‌ها و مسائل مختلف در این زمینه و نبود تحقیق جامع و کامل در این مورد این پژوهش با هدف شناسایی معیارهای اخلاقی مورد نیاز برای فرایند نظارت پژوهشی صورت گرفته است. با توجه به این‌که این پژوهش در چارچوب رویکرد کیفی انجام گردیده است، ابتدا تحقیق تنها با یک سوال کلی آغاز شده ولی در ادامه با روشن‌تر شدن ابعاد موضوع، سوالات پژوهش بر محورهای زیر متمرکز گردید:

- استادان راهنما چه معیارهای اخلاقی را می‌باید در فرایند نظارت پژوهشی رعایت کنند؟
- دانشجویان چه معیارهای اخلاقی را می‌باید در فرایند نظارت پژوهشی رعایت کنند؟
- گروه‌های آموزشی چه مسائلی را می‌باید در فرایند نظارت پژوهشی مدنظر قرار دهند؟
- چه معیارهای اخلاقی می‌باید در جلسات دفاع از پایان‌نامه‌های دانشجویی رعایت شوند؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر در چارچوب رویکرد کیفی و روش گراند تئوری انجام شده است. جامعه پژوهش عبارت است از اساتید و دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران. نمونه‌گیری در این پژوهش براساس منطق نمونه‌گیری در رویکرد کیفی و به‌صورت هدفمند صورت پذیرفته است. به این ترتیب که ابتدا از بین دانشگاه‌های دولتی استان تهران دانشگاه تربیت معلم و شهید بهشتی به‌عنوان دانشگاه جامع و صنعتی شریف به‌عنوان دانشگاه صنعتی و به‌صورت تصادفی انتخاب شده و سپس در داخل دانشگاه‌های مذکور روش‌های نمونه‌گیری آسان^۱ و نمونه‌گیری گلوله برفی^۲ به‌منظور انتخاب اطلاع‌رسان‌ها^۳ استفاده شده است. اطلاع‌رسان‌های^۳ این پژوهش ۳۷ نفر شامل ۱۵ استاد و ۲۲ دانشجوی تحصیلات تکمیلی بودند. توزیع نمونه در سه دانشگاه به این صورت بود که ۱۴ نفر از دانشگاه تربیت معلم (شامل ۹ نفر دانشجو و ۵ نفر استاد)، ۱۱ نفر از دانشگاه شهید بهشتی (شامل ۷ نفر دانشجو و ۴ نفر استاد) و ۱۰ نفر از دانشگاه صنعتی شریف (شامل ۶ دانشجو و ۴ استاد) و دو نفر از مدرسین خارج از این سه مجموعه

1. Convenience Sampling
2. Snowball Sampling
3. Informant

انتخاب شدند. تعداد اطلاع‌رسان‌های پژوهش براساس اصل اشباع مشخص گردید. هرچند اشباع داده‌ها حدوداً در اطلاع‌رسان‌های ۲۴ و ۲۵ حاصل شد، سایر اطلاع‌رسان‌ها برای حصول اطمینان بیشتر و نیز برای پوشش دادن کامل سه دانشگاه مورد مصاحبه قرار گرفتند.

جمع‌آوری، تحلیل و اعتبار داده‌ها

به‌منظور جمع‌آوری داده‌های موردنیاز برای پژوهش حاضر از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته^۱ استفاده شده است. تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش با استفاده از روش تحلیل محتوا و روش کدگذاری^۲ و طی مراحل جدول ۱ صورت گرفته است. روش کدگذاری روش مقوله‌بندی سه سطحی است که توسط گلیرز و استراوس به‌منظور تحلیل داده‌های روایی ابداع شده است.

جدول ۱. مراحل تجزیه و تحلیل و کدگذاری مقوله‌های پژوهش

مرحله	برونداد
انجام مصاحبه با اطلاع‌رسان‌های پژوهش	فایل ضبط شده مصاحبه‌ها
پیاده‌سازی مصاحبه‌ها	تایپ خط به خط فایل صوتی بر روی کاغذ
کدگذاری باز	خواندن خط به خط داده‌ها و استخراج مفاهیم و کدهای اصلی و تشکیل طبقات اولیه در این مرحله نتایج مصاحبه‌ها که بر روی word تایپ شده بود خوانده شده و برای هر خط، پاراگراف و یا جمله یک جمله کوتاه بیانگر انتخاب و کدهای استخراج شده بر حسب شباهت در کنار یکدیگر قرار گرفتند
کدگذاری انتخابی	شامل طبقه‌بندی داده‌ها، مشخص نمودن زیر طبقات و تشکیل طبقات نهایی در این مرحله حجم زیاد کدهای استخراج شده در مرحله قبل تلخیص و براساس شباهت تلفیق گردیده، طبقات نهایی و زیر طبقات آن‌ها مشخص شد.

برای حصول اطمینان از اعتبار^۳ نتایج، اقدامات ذیل صورت گرفت: نخست بعد از پیاده‌سازی متن مصاحبه‌ها و کدگذاری اولیه آن‌ها توسط محقق اول، نتایج به‌دست آمده توسط محققان بعدی بازنگری شده^۴ و اختلافات موجود شناسایی و رفع گردید. در مرحله بعدی مقولات و زیر مقولات استخراج شده با برخی از اطلاع‌رسان‌های پژوهش در میان گذاشته شده^۵ و نظرات آن‌ها

1. Semi- Structured
2. Coding
3. Credibility
4. Peer Audit
5. Member Check

مورد بررسی قرار گرفت. در نهایت مشخص گردید که مقولات و معیارهای به‌دست آمده، برون‌داد درستی از دیدگاه‌ها و عقاید اطلاع‌رسان‌های پژوهش را به تصویر می‌کشد.

یافته‌های پژوهش

نتایج به‌دست آمده از تحلیل محتوای مصاحبه‌ها نشان داد که می‌توان معیارهای اخلاقی و حرفه‌ای مربوط به فرایند نظارت پژوهشی را به چهار مقوله اصلی شامل معیارهای^۱ اخلاقی و حرفه‌ای مربوط به استادان، معیارهای اخلاقی و حرفه‌ای مربوط به دانشجویان، معیارهای اخلاقی و حرفه‌ای مربوط به گروه‌های آموزشی و معیارهای اخلاقی و حرفه‌ای مربوط به جلسات دفاع و ۲۴ زیر مقوله تقسیم‌بندی نمود که به شرح ذیل هستند:

معیارهای اخلاقی مربوط به استاد: براساس نتایج به‌دست آمده از مصاحبه با اطلاع‌رسان‌های پژوهش، برخی از مسائل اخلاقی موجود در فرایند نظارت پژوهشی را می‌توان ناشی از عملکرد استادان راهنما دانست. از دیدگاه اطلاع‌رسان‌ها مسائلی چون مشغله کاری زیاد، عدم تخصیص زمان لازم برای دانشجویان، نگرش ابزارگرایانه و کار نکردن در حوزه تخصصی، عدم راهنمایی و توجیه درست دانشجویان، روشن نکردن انتظارات و عدم نقدپذیری از جمله مسائلی است که در رفتار استادان دانشگاه و در فرایند هدایت پایان‌نامه‌های دانشجویی ملاحظه می‌شود. این نتایج با دیدگاه ویسکر (۲۰۰۵، به‌نقل از عطاران و همکاران، ۱۳۸۸) که وظایف استاد را به تفکیک مراحل آغازی، میانی و پایانی فرایند نگارش رساله تقسیم‌بندی می‌کند هماهنگ است. اساتید راهنما در فرایند نظارت پژوهش دارای مسئولیت بسیار سنگین و اثربخشی هستند و باید دارای ویژگی‌ها و مهارت‌های فردی و تخصصی موردنیاز برای فرایند نظارت پژوهشی باشند. این وظایف و مسئولیت‌ها دربرگیرنده ابعاد مختلفی است. شاید یکی از مهم‌ترین موارد در این زمینه، که در نتایج پژوهش نیز مورد تاکید بود کاستن از مشغله‌های فراوان است استادان راهنما به‌دلیل داشتن مسئولیت‌های متعدد و برنامه سنگین تدریس و راهنمایی هم‌زمان چندین پایان‌نامه به سختی قابل دسترسی هستند و این وضعیت دانشجویان را دچار مشکلات متعددی می‌نماید. افزون بر این هماهنگ کردن استاد راهنمایی با استاد یا استادان مشاور هماهنگ کاری دشوار است. این وضعیت زمانی دشوارتر می‌گردد که استادان راهنما بدون آنکه احاطه لازم را بر موضوع پایان‌نامه دانشجوی داشته باشند، مسئولیت راهنمایی وی بپذیرند. در این ارتباط دانشجوی دکترای تربیت بدنی می‌گوید: "به‌نظر من در فرایند پایان‌نامه‌نویسی بایستی استادان نسبت به دانشجویان احساس مسئولیت کنند، برای کار دانشجویان وقت بگذارند به خود دانشجوی و وقت وی احترام

بگذارند این‌طور نباشد که دانشجویان ساعت‌ها منتظر باشند تا بتوانند ۵ دقیقه استاد را ملاقات کنند." از سوی دیگر استادان راهنمای مجرب باید چگونگی روابط خود را با دانشجویان، به موازات پیشرفت آن‌ها تغییر دهند در سطح اول، استادان راهنما با صرف زمان و تلاش بسیار سعی می‌کنند به دانشجویان کمک نمایند تا موضوع مناسبی را برای پایان‌نامه‌شان انتخاب کرده و یا سوال‌ها و فرضیه‌های مناسبی را تدوین کنند. در سطح دوم، استاد راهنما دانشجو را تحت نظارت قرار می‌دهد، اما او را آزاد می‌گذارد تا با استقلال بیشتری عمل کند. در این حالت مادامی که مشکل خاصی پیش نیاید، زمان تماس بین استاد و دانشجو را خود دانشجو تعیین می‌کند و در در سطح سوم که مرحله پایانی نگارش پایان‌نامه است، استاد راهنما همانند سطح نخست زمان و تلاش بسیاری را صرف می‌کند تا گزارش کار تکمیل گردد این فرایند موجب می‌گردد که به‌عنوان محصل فرایند نظارت پژوهشی دانشجویان تبدیل به محققانی مستقل گردند که یکی از ملاک‌های فرایند نظارتی موثر است. در این خصوص دانشجوی کارشناسی ارشد شیمی بیان می‌کند "معیار اخلاقی دیگر یک استاد این است که اطمینان حاصل کند در پایان کار، دانشجویان تکنیک‌های لازم برای انجام پژوهش‌های بعدی را یاد گرفته باشند در واقع بیشتر باید استاد در این فرایند کار علمی را به دانشجویان آموزش دهد." بنابراین آن‌چه در این فرایند مهم تلقی می‌گردد نقشی مرشدی استاد است و استادان در این خصوص باید به معیارهای زیر توجه نمایند:

کاستن از مشغله‌ها: براساس این معیار یکی از مسائل اخلاقی که استاد باید در روند پایان‌نامه-نویسی موردتوجه قرار دهد موضوع کاستن از مشغله‌های فردی است. بنابراین معیار استاد باید بیش از هر چیزی درگیر امر آموزش و یاددهی به دانشجویان باشد و مشغله‌های دیگر وی در اولویت‌های بعدی قرار بگیرند.

مدیریت زمان مناسب در پایان‌نامه‌نویسی: این معیار بیانگر این موضوع است که وقتی استاد راهنما مسئولیت پایان‌نامه دانشجویی را برعهده می‌گیرد لازم است برای انتخاب موضوع مناسب و انجام کار در مراحل مختلف زمان کافی تخصیص دهد، در دسترس دانشجویان باشد و به وقت آن‌ها احترام بگذارد.

احترام و مسئولیت‌پذیری: براساس این معیار لازم است استادان در برخورد با دانشجویان و نسبت به وقت، نقطه نظرات و شرایط دانشجویان، با احترام برخورد نماید و نیز در قبال پایان‌نامه و وضعیت دانشجویان مسئولیت‌پذیر باشند در جهت رشد حرفه‌ای دانشجویان تلاش نماید.

مدیریت درست فرایند نظارت: موضوع اخلاقی و حرفه‌ای دیگر در این ارتباط عبارت است از سرسری نگرفتن پایان‌نامه‌ها و نظارت بر کار دانشجویان. بر این اساس استاد راهنما باید مسیر کار را به دانشجویان نشان دهد، دانشجویان را به کار ترغیب نماید، در مورد کارهای انجام شده

باز خورد دهد و شخصاً پیگیر کار دانشجوی و پایان‌نامه وی باشد.

مبدل نمودن دانشجویان به پژوهشگرانی مستقل: بنابراین معیار، استاد راهنما می‌بایست فرایند نظارت پژوهشی را به نحوی هدایت کند که در پایان دانشجوی به محقق مستقل تبدیل شود. استاد راهنما و دانشجو هر کدام وظایف متعددی در مراحل مختلف انجام پایان‌نامه داشته و هدف نهایی، تبدیل دانشجو به یک پژوهشگر مستقل است (آرمیتاج، ۲۰۰۶). از آنجا که هدف اصلی از نظارت پژوهشی آموزش عملی تحقیق به دانشجویان است، می‌بایست از انجام اموری که باعث دلسردی دانشجویان از تحقیق و ترس دانشجویان از پایان‌نامه نویسی می‌گردد خودداری شود.

اعلام علائق پژوهشی و فعالیت در آن حوزه‌ها: این معیار بیان می‌دارد که در فرایند پایان‌نامه-نویسی استاد باید زمینه تخصصی خود را مشخص نماید و در آن حوزه مسئولیت پایان‌نامه‌های دانشجویی را برعهده بگیرد و از پذیرش پایان‌نامه‌های که در ارتباط با موضوع آن تخصص کافی ندارد خودداری نماید، چه در این صورت باعث گمراهی بیشتر دانشجویان در این فرایند می‌گردد. بیان انتظارات و وظایف متقابل: براساس این معیار اخلاقی در فرایند پایان‌نامه‌نویسی لازم است که استادان انتظارات خود از دانشجویان در فرایند پژوهش را بیان نمایند و همچنین انتظارات دانشجویان از خود را بدانند چراکه روشن بودن انتظارات موجب می‌شود از بروز مسائل حاشیه‌ای و غیراخلاقی جلوگیری گردد.

عدم اتخاذ رویکرد منفعت‌گرایی نسبت به پایان‌نامه‌ها: این معیار اخلاقی بیانگر این نکته است که استادان نباید نسبت به پایان‌نامه‌های دانشجویی دید ابزاری داشته باشند و به‌خاطر مزایای مادی و امتیازات ناشی از آن (مقالات) دست به هرکاری بزنند و یا در مقابل کار دانشجویان سنگ‌اندازی نمایند. زیرا در مواردی ملاحظه می‌گردد که در فرایند پایان‌نامه‌نویسی انتخاب استاد بر روابط بین دانشجو و اساتید گروه تاثیر می‌گذارد و حقوق دانشجویان ضایع می‌گردد.

نقد پذیری و اقناع به جای تحمیل نظرات: بر اساس این معیار اخلاقی استاد راهنما نباید به هیچ‌وجه تلاش کند دیدگاه و نظرات خود را در انتخاب موضوع و در فرایندهای مختلف تحقیق و شیوه‌های انجام کار به دانشجویان تحمیل نماید. بلکه لازم است دیدگاه دانشجویان را در موارد مختلف بشنود و در صورت اشتباه بودن آن با ارائه دلیل نسبت به متقاعد کردن دانشجویان اقدام کند، زیرا اگر دانشجویان فقط مجری صرف نظرات استادان باشند مسلماً فرایند استقلال در یادگیری شکل نخواهد گرفت.

معیارهای اخلاقی مربوط به دانشجویان: براساس داده‌های به‌دست آمده از مصاحبه با اطلاع-رسان‌های پژوهش، بخشی از آسیب‌های اخلاقی مربوط به فرایند نظارت پژوهشی مربوط به خود

دانشجویان است. مسائل غیراخلاقی و غیره حرفه‌ای چون نمره محوری و سهل‌نگری، انتخاب موضوعات کلیشه‌ای، عدم مسئولیت‌پذیری، کم کاری و عدم رعایت هنجارهای پژوهشی از جمله مسائلی است که در بین برخی از دانشجویان رایج می‌باشد. قابل ذکر است که علاوه بر رفتار استادان، رفتار و عملکرد دانشجویان نیز نقشی اساسی در کیفیت نظارت پژوهشی دارد. رفتار مودبانه، جویای علم بودن، بی‌تفاوت نبودن، و فعال بودن دانشجو از پیش بایست‌های رفتار نظارتی مناسب توسط دانشجویان است. دانشجویان باید ضمن تعیین هدف و حرکت فعالانه در جهت آن انتظارات واقع‌گرایانه از استاد خود داشته باشند و ارتباط مناسب و در خوری را استاد خود توسعه دهند و در شناسایی و ایجاد ارتباط با افراد دیگری که می‌توانند او را در رسیدن به اهدافش یاری نمایند بکوشد و درک کند که هدف، رسیدن او به سطحی از استقلال است که بتواند فعالیت‌هایش را بدون راهنمایی گرفتن از استاد خویش انجام دهد. در این ارتباط استاد دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی بیان می‌کند "در فرایند پایان‌نامه‌نویسی برخی از دانشجویان اهل پایان‌نامه نوشتن نیستند حالا یا توانش رو ندارند یا علاقه و انگیزه‌اش را، همین مسئله موجب مسائل غیراخلاقی بسیار زیادی می‌گردد مثلاً بخش آماری کار را میدان بیرون انجام بدهند و هیچ تلاشی برای یادگیری آن انجام نمی‌دهد در حالی که بخش اصلی کار همین‌جا است و باید خودش آن را انجام دهد." نکته مهم در این خصوص این است که دانشجویان باید در انتخاب موضوع تحقیق و استاد راهنما آزادی عمل داشته باشند و تلاش نمایند، همواره موضوعی را انتخاب نمایند که توان انجام آن را دارند، استادی را انتخاب نمایند که دارای تخصص لازم بوده و از حیث ویژگی‌های شخصیتی انطباق روانی لازم را با دانشجو داشته باشد (عطاران، ۱۳۸۸). در این خصوص دانشجوی دکترای زمین‌شناسی بیان می‌نماید "به نظرم دانشجویان در این فرایند باید تلاش کنند موضوعات مناسب و در توان خود را انتخاب کنند و با استادی کار کنند که توان علمی مربوط به کار وی را دارد نه اینکه استادی باشد که خوب نمره می‌دهد." معیارهای اخلاقی مربوط به دانشجویان در برگزیده موارد زیر است:

انتخاب موضوعات بروز و مسئله محور: براساس این معیار لازم است دانشجویان در انتخاب موضوع تلاش نمایند که از انتخاب موضوعات کلیشه‌ای خودداری نمایند و سعی کنند موضوعاتی را انتخاب کنند که اولاً به روز بوده و باعث رفع دغدغه‌های ذهنی وی گردد و ثانیاً کاربردی باشد و باعث رفع مشکلی از جامعه گردد چرا که در غیر این صورت موجب اتلاف هزینه‌های پژوهشی جامعه می‌گردد.

انتخاب موضوع براساس علاقه و توان: علاوه بر به روز بودن و کاربردی بودن موضوع پایان‌نامه‌های دانشجویی، معیار اخلاقی دیگر مربوط به دانشجویان این است که دانشجویان در انتخاب

موضوع پژوهش لازم است به توان فردی خود توجه نمایند و از انتخاب موضوعی که علاقه‌ای به آن ندارند و یا توان انجام آن را ندارند خودداری کنند چرا که فرایند پایان‌نامه‌نویسی فرایندی طولانی و خسته‌کننده است و در صورت نبود علاقه می‌تواند مشکلات زیادی به وجود بیاورد.

تلاش در جهت یادگیری: این معیار اخلاقی بیانگر این مطلب است که علاوه بر این که استاد باید تلاش کند کار تحقیق را به دانشجویان در فرایند نظارت پژوهشی آموزش دهد خود دانشجو هم لازم است برای یادگیری فرایندهای مختلف پژوهش تلاش نماید، زیرا در بسیاری مواقع ملاحظه می‌شود بسیاری از دانشجویان انجام بخشی از کار پایان نامه خود را به دیگران واگذار می‌نمایند که این کار مخالف فلسفه یادگیری در اجرای یک پایان نامه است.

مسئولیت‌پذیری: براساس این معیار اخلاقی لازم است دانشجویان در فرایند اجرای پایان‌نامه مسئولیت‌پذیر باشند و مسئولیت انجام درست کلیه مراحل پایان‌نامه را برعهده بگیرند و مسئولیت کلیه ضعف‌ها و اشتباهات موجود در پایان‌نامه را برعهده بگیرند هرچند در این مورد اساتید هم نقش بسیار مهمی دارند اما مسلم است که مهم‌ترین مسئولیت بر عهده دانشجویان است.

پیگیری و مداومت در کار: بنابراین زیرمقوله یکی از مسئولیت‌های دانشجویان در فرایند پایان‌نامه‌نویسی عبارت است از تلاش و کوشش مستمر، دانشجویان در فرایند پایان‌نامه‌نویسی باید دارای سماجت علمی باشد و برای دستیابی به نتایج درست و پاسخ‌گویی به سوالات ذهنی خود همواره تلاش نماید و استمرار و پیگیری در این مسیر را فراموش ننماید.

رعایت صادقانه هنجارهای پژوهشی: براساس این اصل یکی از ویژگی‌های اخلاقی دانشجویان در فرایند پایان‌نامه‌نویسی عبارت است از رعایت هنجارهای پژوهشی که براساس آن لازم است دانشجویان از انجام هرگونه تخلف در فرایند پایان‌نامه‌نویسی اعم از سرقت علمی، داده‌سازی، سوگیری در انتشار نتایج و ... خودداری نمایند.

معیارهای اخلاقی مربوط به گروه‌های آموزشی: نتایج به‌دست آمده از تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد که عامل سومی که زمینه‌ساز بروز مسائل غیراخلاقی در فرایند پایان‌نامه‌نویسی می‌گردد گروه‌های آموزشی می‌باشند. به نظر می‌رسد که اصلی‌ترین و مهم‌ترین مرجع رسیدگی به مساله انتخاب استاد راهنما، گروه‌های آموزشی هستند. آن‌ها می‌توانند با ایجاد سازوکارهای مدون و نظارت دقیق بر اجرای آن‌ها، انتظام زیادی به فرایند انتخاب استاد راهنما در گروه‌ها بدهند. سهل‌انگاری گروه‌ها برای رفع مسائل مربوط به انتخاب استاد راهنما و افزایش رضایت دانشجویان از این انتخاب، عواقب نامطلوبی را به دنبال خواهد داشت که مهم‌ترین آن‌ها کاهش کیفیت فرایند راهنمایی و کاهش رضایت دانشجو از روابط با استاد راهنما است. اما با

وجود تاثیر مثبت گروه‌های آموزشی بر فرایند نظارت پژوهشی، مواقعی وجود دارد که در داخل گروه‌های آموزشی هم مسائل و معیارهای مورد نظر رعایت نمی‌گردند و گروه‌های آموزشی عملاً درگیر مسائل غیراخلاقی گوناگونی می‌گردند (رای، ۲۰۰۷). مسائل غیراخلاقی چون اجبار دانشجویان به انتخاب استادان و موضوعات خاص، رقابت‌های ناسالم در بین استادان، سوگیری در انتخاب داورها، ارزیابی پایان‌نامه‌ها و ایجاد محدودیت برای دانشجویان از جمله مسائل غیراخلاقی است که در این حوزه وجود دارد و توسط اطلاع‌رسان‌های پژوهش عنوان گردیده است. در این ارتباط دانشجوی دکتری ادبیات بیان می‌نماید "گروه‌های آموزشی نباید در انتخاب موضوع پایان‌نامه و استاد راهنما دانشجویان را تحت فشار قرار دهند و استاد راهنما یا حتی موضوع خاصی را به وی تحمیل نمایند." هرچند عوامل گوناگونی نظیر ساختارهای غیردموکراتیک دانشگاه، تعداد کم اساتید هر گروه و مجاز نبودن دانشجویان به انتخاب اساتید از دیگر دانشگاه‌ها، موقعیت سازمانی اساتید، سهل‌گیر یا سخت‌گیر بودن اساتید بر فرایند نظارت پژوهشی و انتخاب استاد راهنما تاثیر می‌گذارد. اما گروه‌های آموزشی دارای نقش بسیار پررنگی در این زمینه می‌باشند و می‌توانند از طریق توسعه شاخص‌ها و معیارهای اخلاقی گوناگون به توسعه این فرایندها کمک نمایند و زمینه بروز این ناهنجاری‌ها را از بین ببرند چون نبود معیارهای مشخص باعث سلیقه‌ای عمل کردن افراد در شرایط مشابه است و به نوعی حقوق برخی از افراد پایمال می‌گردد. در این خصوص دانشجوی عمران بیان می‌نماید که "گروه‌های آموزشی نباید پایان‌نامه‌های دانشجویی را تبدیل به ابزار انتقام‌گیری نمایند مثلاً استادی در گروه نفوذ دارد و چون شما با وی کار نکردید در کار شما سنگ‌اندازی می‌کند." به هر حال گروه‌های آموزشی در کنار مسئولیت نظارتی که دارد باید به یک سری اصول اخلاقی پایبند باشند که در ادامه مورد بحث قرار می‌گیرند:

دوری از اجبار و تحمیل: براساس این معیار اخلاقی نباید گروه‌های آموزشی دانشجویان را ملزم به انتخاب استاد خاصی برای راهنمایی رساله نمایند یا دانشجویان را ملزم به انتخاب موضوع در حیطه خاصی کنند. دانشجویان باید در انتخاب استاد راهنما و موضوع پژوهش آزاد باشند. حتی اگر دانشجویی قصد دارد استادی را خارج از گروه آموزشی انتخاب کند نباید گروه‌های آموزشی در این ارتباط مقاومت نمایند.

عدم سوگیری در گروه‌ها: بنابراین معیار اخلاقی نباید در گروه‌های آموزشی نسبت به استاد یا دانشجوی خاصی سوگیری وجود داشته باشد و به دلیل اختلافات شخصی در فرایند کار آنها سنگ‌اندازی گردد و یا در فرایند تصویب پروپوزال و سایر فرایندهای پایان‌نامه‌نویسی سوءگیری و غرض‌ورزی وجود داشته باشد.

ترغیب ایده‌های نو: براساس این معیار اخلاقی یکی از مسائل اخلاقی که گروه‌های آموزشی باید به آن توجه نمایند بحث انتخاب موضوعات جدید و کاربردی است و شاید یکی از مواردی که گروه‌های آموزشی می‌توانند دانشجویان را ملزم به رعایت آن نمایند همین زیر مقوله است که براساس آن گروه‌های آموزشی می‌توانند از انجام پژوهش‌های کلیشه‌ای توسط دانشجویان جلوگیری کنند.

حمایت مالی از دانشجویان: این معیار اخلاقی که بیشتر در گروه‌های علوم پایه و تجربی صادق می‌باشد بیانگر این نکته است که لازم است از نظر اخلاقی در مواقعی که پژوهش‌ها و پایان‌نامه‌های دانشجویی نیازمند صرف هزینه است. گروه‌های آموزشی زمینه حمایت مالی از این پایان‌نامه‌ها، تامین هزینه خرید مواد موردنیاز و هزینه لازم برای انجام آزمایشات را برعهده داشته باشند.

دوری از سوگیری در انتخاب داورها: این اصل اخلاقی بیان می‌نماید که گروه‌های آموزشی باید در انتخاب داور برای پایان‌نامه‌های دانشجویی سوگیری نداشته باشند. در این زمینه لازم است که اولاً داورانی برای داوری پایان‌نامه دعوت شوند که در زمینه موضوع پایان‌نامه دارای تخصص هستند و براساس رفاقت یا سهل‌گیری انتخاب نگردند. ثانیاً در انتخاب داوران برای دانشجویان مختلف و استادان مختلف رویه‌های یکسانی رعایت شود.

معیارهای اخلاقی مربوط به جلسات دفاع: بخشی دیگر از معیارهای اخلاقی مربوط به پایان‌نامه‌های دانشجویی مربوط به مسائلی است که در جلسات دفاع و ارزیابی از پایان‌نامه‌های دانشجویی اتفاق می‌افتد. هرچند این مقوله به نوعی می‌تواند با مقولات دیگر همپوشانی داشته باشد اما به دلیل اهمیت آن به‌عنوان مقوله جداگانه‌ای بررسی می‌شود. مسائل غیراخلاقی چون مشخص نبودن معیارهای ارزیابی، ضایع شدن حقوق دانشجویان و سوگیری و غرض‌ورزی در ارزیابی از پایان‌نامه‌ها از جمله مسائل غیراخلاقی است که در این حوزه قرار می‌گیرد. همان‌طور که مطرح قبلاً بیان شد متأسفانه رقابت بر سر رساله‌های دانشگاهی یکی از موقعیت‌هایی است که جنبه‌های غیرمعرفتی، غیرعلمی، و مادی دانشگاهی را نشان می‌دهد. رساله‌ها دارای اهمیت اقتصادی و موقعیتی برای اساتید می‌باشند. به همین دلیل رقابتی سخت و فشرده برای راهنمایی تعداد بیشتری از رساله‌ها شکل می‌گیرد. این رقابت‌ها گاهی بسیار شدید می‌شود و فشار آن به دانشجو وارد می‌شود و اتمام رساله را به امری فرسایشی مبدل می‌کند. این رقابت باعث می‌شود که در جلسات ارائه رساله یا جلسه دفاع، برخی به ناروا رساله را هدف انتقاد شدید قرار دهند و یا نمره را کم دهند. رساله و جلسات دفاع آخرین مرحله‌ای است که بواسطه آن یک استاد می‌تواند قدرت خود را به دانشجو نشان دهد. بعد از اتمام رساله کار شروع می‌شود. چون رقابت ادامه دارد،

استادان رقیب بر سر کلاس خود به انتقاد از رساله فلان استاد می‌پردازند و بدون ذکر نام و البته با ارائه کلیه نشانی‌های دانشجو و استاد، آن را به باد حمله می‌گیرند تا دانشجویان میدان بازی را بشناسند و بی‌جهت در پی بازی در میدانی دیگر نروند. ضمن آن‌که به دانشجوی قبلی هم بفهمانند که بازی تمام نشده است. مثلاً اگر قرار باشد عضو هیات علمی شود، باید هزینه انتخاب خود را پس دهد. برخی استادان از نفوذ بیشتری برخوردارند و در گروه تصمیم‌گیرنده هستند. دانشجویان به این گروه نزدیک می‌شوند تا برای بعدها هم بتوانند به عضویت هیات علمی درآیند (عطاران و همکاران، ۱۳۸۸). دانشجوی دکترای ریاضی در این ارتباط بیان می‌کند: "در جلسات دفاع اگر کاری خیلی قوی باشد معمولاً دانشجو به حق خود می‌رسد اما در مواقعی که پایان‌نامه‌ای بینابین باشد در این مواقع داورها معمولاً یک‌دست نیست خیلی وقت‌ها می‌بینیم دو کار باهم در یک سطح است اما نمرات کاملاً متفاوت می‌باشد. بنابراین باید معیار مشخصی برای ارزیابی وجود داشته باشد." یک مسئله اخلاقی دیگر در جلسات دفاع این است که افراد نقدپذیر باشند. استاد راهنما و دانشجو انتقادات وارده را بپذیرند و برعکس داورها هم توجیحات دانشجو و استادان را مورد توجه قرار دهند و غرض‌ورزی نداشته باشند. "این مقوله دارای زیر مقولاتی است که در ادامه بیان می‌گردد.

تدوین، یکسان‌سازی و ابلاغ معیارهای ارزیابی: براساس این اصل اخلاقی معیارهای ارزیابی از پایان‌نامه‌های دانشجویی در دانشگاه‌های مختلف می‌باید مشخص گردد و در اختیار کلیه دانشجویان و استادان گروه‌های آموزشی قرار گیرد تا کلیه دانشجویان براساس رویه‌ها و معیارهای یکسانی ارزیابی شوند. تنها معیار ارزیابی پایان‌نامه‌های دانشجویی در جلسات دفاع می‌باید کیفیت پایان‌نامه‌های دانشجویی باشد و از هرگونه غرض‌ورزی و سوگیری در ارتباط با ارزیابی دانشجویان خودداری شود.

ایجاد فضای نقد علمی: براساس این زیر مقوله یکی از معیارهای اخلاقی که باید در جلسات دفاع مورد توجه قرار گیرد نقدپذیری افراد حاضر در جلسه است. این اصل بیانگر این نکته است که نکات و ایراداتی که در جلسات دفاع توسط افراد مختلف بیان می‌گردد نباید منجر به جهت‌گیری دیگر افراد حاضر در جلسه شود.

تشریفاتی نبودن جلسات دفاع: بنابراین اصل لازم است جلسات دفاع از پایان‌نامه‌ها با جدیت برگزار گردد و از سهل‌گیری بی‌مورد در مورد پایان‌نامه‌های ضعیف و یا در نظر گرفتن ملاحظاتی چون جایگاه استاد راهنما یا مشاور و یا حتی داور در ارزیابی پایان‌نامه‌ها خودداری شود. همان‌طور که در بالا هم اشاره شد تنها ملاک ارزیابی، کیفیت کار باشد نقاط ضعف بدون هیچ‌گونه سوتی بیانی شده و به دلایل مختلف مورد اغماض قرار نگیرد.

تدوین و ابلاغ نقش افراد در جلسه دفاع: براساس این معیار اخلاقی لازم است مسئولیت دانشجو و استادان راهنما و مشاور در فرایند پایان‌نامه‌نویسی و در جلسات دفاع مشخص باشد و این افراد مشترکاً مسئولیت ضعف‌ها و قوت‌های پایان‌نامه را بپذیرند و در صورت نیاز از دانشجویان و حقوق وی دفاع نمایند.

دوری از غرض‌ورزی و انتقام‌جویی: براساس این اصل اخلاقی نباید جلسات دفاع دانشجویان تبدیل به ابزاری برای انتقام‌جویی و عقده‌گشایی شود و نمره به عنوان ابزاری برای تنبیه دانشجویان تبدیل شود. از سوی دیگر، اختلاف بین استادان در جلسات دفاع نباید باعث آسیب دیدن دانشجویان شود.

بحث و نتیجه‌گیری

یکی از عوامل مهم در فرایند جامعه‌پذیری دانشگاهی دانشجویان تحصیلات تکمیلی، انجام پایان‌نامه و درگیر شدن در فرایند نظارت پژوهشی است. نظارت پژوهشی فرایندی تسهیل‌کننده است که مستلزم انجام فعالیت‌های پژوهشی مقرر توسط دانشجو و هدایت، راهنمایی و مشاوره وی توسط استاد راهنما است. این فرایند در نهایت منجر به کسب یک مدرک رسمی دانشگاهی توسط دانشجو می‌شود. در این فرایند، استاد راهنما و دانشجو هرکدام وظایف متعددی در مراحل مختلف انجام پایان‌نامه داشته و هدف نهایی، تبدیل دانشجو به یک پژوهشگر مستقل است. این امر مستلزم شناخت چالش‌های نظارت پژوهشی، عوامل موثر بر آن، و به‌کارگیری سبکی مناسب برای نظارت و مدیریت پایان‌نامه است. عامل مهمی که می‌تواند موجب هر چه اثربخش‌تر شدن نظارت پژوهشی و رضایت استاد راهنما و دانشجو از این فرایند شود، یک انتخاب و انطباق درست است. پژوهشگران مختلف هر کدام معیارهای متعددی را برای انتخاب استاد راهنما ذکر کرده‌اند اما به‌نظر می‌رسد آن‌چه دانشجویان در عمل مدنظر قرار می‌دهند با این معیارها بسیار متفاوت است. انتخاب استاد راهنما یکی از مولفه‌های فرایند نظارت پژوهشی است. یک انتخاب و انطباق درست موجب خواهد شد که فرایند نظارت پژوهشی به‌نحوی موثر صورت پذیرد. نتیجه این کار نه تنها یک پایان‌نامه خوب و با کیفیت، بلکه انطباق فرد با هنجارهای آکادمیک، یعنی جامعه‌پذیری دانشگاهی است. عمده تحقیقات صورت گرفته در حوزه روابط استاد راهنما- دانشجو به بررسی میزان رضایت دانشجویان از این رابطه، سبک نظارت پژوهشی استادان، بررسی ویژگی‌های یک استاد راهنمای موثر، و امثالهم پرداخته‌اند و کمتر پژوهشی یافت می‌شود که معیارهایی که دانشجویان رشته‌های مختلف عملاً مدنظر قرار می‌دهند و نقش فرهنگ رشته‌ای و سازمانی در انتخاب‌های آن‌ها را مورد بررسی قرار دهد. پژوهش حاضر سعی نموده است تا این نقیصه را تا

حدی رفع نماید. نتایج به دست آمده از این پژوهش نشان داد که می‌توان معیارهای اخلاقی مربوط به تعاملات پژوهشی در فرایند پایان‌نامه‌نویسی را به ۴ محور معیارهای اخلاقی مربوط به دانشجویان، معیارهای اخلاقی مربوط به استادان، معیارهای اخلاقی مربوط به گروه‌های آموزشی و معیارهای اخلاقی مربوط به جلسات دفاع تقسیم کرد. برخی از متغیرها و معیارهای به دست آمده در این پژوهش با بخشی از نتایج به دست آمده در پژوهش‌های (تامسون و همکاران، ۲۰۰۵، گراوهولم و همکاران، ۲۰۰۵، عطاران و همکاران، ۱۳۸۸، گلرمو، ۲۰۱۱، نیلی و همکاران، ۱۳۸۶، گالورت و گازی، ۲۰۰۴) هماهنگ است. اما مقولات و زیر مقولات مطرح شده در این پژوهش در پژوهش مشابهی مشاهده نگردید.

بر اساس نتایج به دست آمده از پژوهش عمده مسائل غیراخلاقی که در فرایند تدوین پایان‌نامه‌های دانشجویی به وجود می‌آید، ناشی از نبودن معیارها و چارچوب‌های مشخص قانونی است که مسئولیت‌ها و وظایف استادان و دانشجویان را در فرایند تدوین پایان‌نامه‌های دانشجویی مشخص کند. چرا که در نبود این چارچوب و معیارهای مشخص قوانین و مقررات نانوشته مختلفی در بین دانشجویان و در تعامل آن‌ها با اساتید و گروه‌های آموزشی رواج پیدا می‌کند. قوانینی هم‌چون قانون عدم انتخاب استاد راهنما خارج از گروه‌های آموزشی و آسیب دیدن دانشجویان در صورت تخطی از این قانون، یا قانون نانوشته کار کردن موضوعاتی در حیطه تخصصی گروه‌های آموزشی، یا قانون استاد بانفوذتر، پایان‌نامه بهتر و نمره بالاتر، از جمله قوانینی هستند که در این زمینه رواج پیدا می‌نمایند و رفته رفته به عنوان فرهنگ دانشگاهی، توسط دانشجویان پذیرفته می‌شود و دانشجویان به مرور این قوانین را یاد گرفته و به آن عمل می‌نمایند تا تحت تاثیر آسیب‌های ناشی از آن قرار نگیرند. این قبیل مسائل باعث بروز مسائل غیراخلاقی در ارتباط با تدوین پایان‌نامه‌های دانشجویی می‌گردد. در این زمینه اعمال معیارهایی که در این پژوهش مشخص گردیده است می‌تواند به حل شدن بخشی از مشکلات موجود در این زمینه کمک نماید زیرا همان‌طور که بحث شد نبود معیارهای مشخص یکی از مهم‌ترین مشکلاتی است که در فرایند نظارت پژوهشی وجود دارد و همواره موجب سردرگمی استادان و دانشجویان می‌شود. البته ساختار غیر دموکراتیک دانشگاه در ایران به گونه‌ای است که بیشتر دانشجو در این میان آسیب می‌بیند و مرجعی برای پیگیری شکایات و ظلم‌های وارد شده به وی وجود ندارد. معیارهای اخلاقی در حقیقت نیاز استادان و دانشجویان را از حیث وجود یک معیار مشخص برطرف می‌کنند.

در نهایت باید گفت که پایان‌نامه‌های دانشجویی بخش اعظمی از فعالیت‌های آموزشی را به خود تخصیص می‌دهد و نقش بسیار مهم و تاثیرگذاری در جامعه‌پذیر کردن دانشجویان و حتی

آینده پژوهشی آن‌ها ایفا می‌کند. با وجود این اهمیت در عرصه عمل این فرایند تبدیل به مشکلی اساسی برای دانشجویان، استادان و حتی گروه‌های آموزشی می‌شود و با وجود سازنده بودن این فرایند در رشد و توسعه علمی دانشجویان گاهی تبدیل به محملی برای بسیاری از مشکلات و معضلات آموزشی در جامعه ما می‌گردد که نیاز به چاره جویی دارد. برای جلوگیری از بروز این مسائل ایجاد بسترهای لازم احساس می‌شود. بخشی از این بسترها می‌تواند به صورت قانونی توسعه پیدا نماید که بایستی توسط وزارت علوم، به عنوان متولی آموزش عالی ایران انجام گیرد. مسائلی از قبیل محدود کردن ظرفیت استادان برای کار پایان‌نامه، آزادی دادن به دانشجویان در انتخاب استاد راهنما و معین کردن ملاک‌های مشترک ارزیابی از پایان‌نامه‌های دانشجویی و غیره می‌تواند راهگشای برخی از مشکلات در این حوزه باشد. اما مسلماً این بسترهای قانونی به تنهایی نمی‌توانند چاره تمام مشکلات باشند و نیازمند دو عامل دیگر نیز هستیم. عامل اول شامل توانمندسازی دانشجویان با اقداماتی چون افزایش انگیزه، تامین نیازهای مالی، ارزش دادن به پایان‌نامه و عامل دوم، توانمندسازی استادان از طریق اقداماتی چون فراهم کردن امکانات پژوهشی، تامین نیازهای مالی و غیره است. در نهایت بعد از فراهم کردن بسترهای لازم در این حوزه می‌توان از طریق مشخص کردن چارچوب و معیارهای اخلاقی مربوط به تعاملات استادان، دانشجویان و گروه‌های آموزشی در فرایند پژوهش و پایان‌نامه‌نویسی به برطرف نمودن مشکلات موجود در این حوزه امیدوار گردید و این پژوهش با هدف کمک به این جنبه از مسئله انجام گردیده است.

سپاسگزاری

این پژوهش با حمایت مادی و معنوی مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور طراحی و اجرا گردیده است.

منابع

- احمدی زاده، سعید. (۱۳۸۷). *کند و کاوی در رابطه استاد و دانشجو*. روزنامه خراسان. شماره ۱۷۱۳۴. سه شنبه، ۲۸ آبانماه ۱۳۸۷.
- ساکي، رضا (۱۳۹۰). *اخلاق در پژوهش‌های آموزشی و مولفه‌های آن*. فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال ششم، شماره ۲.
- شعبانی‌ورکی، بختیار، حسین قلی‌زاده، رضوان (۱۳۸۵). *بررسی کیفیت تدریس در دانشگاه، پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی*، شماره ۱۲(۱۱۳۹)، ص ۱-۲۲.
- عطاران، محمد و ملکی، صغری (۱۳۸۸). *تجربه‌های دانشجویان کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی*،

- نهمین همایش سالیانه انجمن مطالعات برنامه درسی ایران، دانشگاه تبریز.
- صفایی موحد، سعید، عطاران، محمد (۱۳۸۹) واکاوی هنجارهای موثر بر انتخاب استاد راهنما در حوزه‌های محض (علوم ریاضی) و میان‌رشته‌ای (علوم تربیتی): یک مطالعه پدیدارشناختی، فصلنامه مطالعاتمیان رشته‌ای در علوم انسانی، دوره دوم، شماره ۴، ص ۹۵-۱۲۱.
- محبت، هدیه، فتاحی و اجارگاه، کورش و ابوالقاسمی، محمود (۱۳۸۹) آسیب‌شناسی روابط استاد راهنما-دانشجو در دانشکده‌های معماری: یک مطالعه موردی، رهپویه هنر (فصلنامه علمی- پژوهشی ویژه هنر)، دوره سوم، شماره ۱۳، ص ۷۰-۶۰.
- ملک، حسین (۱۳۸۱) بررسی تحصیلات تکمیلی در نظام آموزش عالی دوره‌های دکتری علوم انسانی- از منظر اعضای هیات علمی این دوره‌ها، مجله علمی- پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، دوره دوم (پیاپی ۳۱)، ص ۳۲۷-۳۵۴.
- نیلی، محمدرضا، نصر، احمد رضا و اکبری، نعمت اله (۱۳۸۶). بررسی کیفیت راهنمایی پایان‌نامه‌های دوره کارشناسی ارشد، دوم‌نامه علمی پژوهشی دانشور رفتار دانشگاه شاهد، سال ۱۴. شماره ۲۴، ص ۳۷-۶۴.
- Agbetaiafa D. (2010), "Evaluating Effective Teaching in College Level Economics Using Student Ratings of Instruction: A Factor Analytic Approach", *Journal of College Teaching and Learning*, Vol. 7, No. 5, pp 57-66.
- Alweshahi, Y. Cook, D. (2009), "Domains of Effective Teaching Process Students Perspectives in Tow Medical Schools", *University of Alberta, Use*, Vol. 31, pp. 125-130.
- Armitage, A. (2006). "Consultant or Academic?: Frameworks of Supervisory Practice to Support Student Learning and Postgraduate Research: The Higher education Academy Annual Conference held at Royal Holloway College. *London Royal Holloway College*.
- Acker, S. (2001). The Hidden Curriculum of Dissertation Advising. In *The Hidden Curriculum in Higher Education*. London: Rutledge.
- Burnett, P. C. (1999). "The supervision of doctoral dissertations using a collaborative cohort model." *Counselor Education and Supervision* 39(1): 46.
- Calvert, B. and Casey, B. (2004). "Supporting and Assessing Dissertations and Practical Projects in Media Studies Degrees: Towards Collaborative Learning." *Art Design and Communication in Higher Education*, Vol. 3 no. 1, pp 47-60?
- Delany, D. (2011). A Review of the Literature on Effective PhD Supervision. (Center for Academic Practice and Student Learning). [online] (Last visited: 25 March 2011). [:www.tcd.ie/CAPSL/assets/.../Effective_Supervision_Review.doc](http://www.tcd.ie/CAPSL/assets/.../Effective_Supervision_Review.doc),
- Grevholm, B. Person L. E. and Peter, W. (2005). A Dynamic Model for Doctoral Students and Guidance of Supervisors in Research Groups. In *Educational Studies in Mathematics*, 60(2), 173-179.
- Guillermo, Aranda-Mena (2011) *an Alignment Model for the Research Higher Degree Supervision Process Using Repertory Grids*. [online]: www.mams.rmit.edu.au./lfgybvhvml dip1.pdf.
- Lee, N (2009). Professional doctorate supervision: Exploring student and supervisor experiences. In *Nurse Education Today*, Vol 29. pp 641-648.

- Lee, A. M. (2007). Developing effective supervisors: Concepts of research supervision. *South African Journal of Higher Education*, 21(4): 2007, pp. 680-693.
- Kantek, F. and Gezer, N. (2008). Faculty members' use of power: midwifery students' perceptions and expectations. In *Midwifery*, 10.
- Ray S. (2007). Selecting a Doctoral Dissertation Supervisor: Analytical Hierarchy Approach to the Multiple Criteria Problem. *International Journal of Doctoral Studies*, Vol 2, pp. 23-32.
- Thompson, D, Kirk man, S, Watson, R, and Stewart, S. (2005). Improving Research Supervision in Nursing. In *Nurse Education Today*, Vol. 25, pp 283-290.
- Valkanas, T. (2008). An Exploratory Study of the Supervision of PhD/ Research Students' Theses. In *Innu High Eddo*. 32: 297-311.